

بررسی و نقد جلد چهارم کتاب تاریخ فلسفه راتلج

سیدمصطفی شهرآیینی*

چکیده

در مقاله پیش رو، چنان‌که از عنوانش پیداست، می‌خواهیم ترجمه فارسی جلد چهارم از دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج با عنوان رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم را معرفی، نقد، و بررسی کنیم. نگارش این اثر را جمعی از برجستگان و صاحب‌نظران طراز اول دانشگاه‌های دنیا درباره دوره نوزایی و عقل‌گرایی برعهده دارند و سرویراستار این مجلد نیز اسپینوزاشناس معروف، پارکینسون، است. این اثر را انتشارات راتلج در سال ۱۹۹۳ منتشر کرد و در سال ۱۳۹۲ نیز حسن مرتضوی آن را به فارسی درآورد و انتشارات پویه‌نگار وظیفه نشر آن را عهده‌دار شد. نویسنده قصد دارد، در مقدمه مقاله، نخست معرفی اجمالی از این دوره ده‌جلدی و ویژگی‌های آن به‌دست دهد و در ادامه، مجلد چهارم از این مجموعه را معرفی کند و جایگاه این اثر را در میان آثار مشابه در زبان فارسی نشان دهد. سرانجام، پیش از ورود به بخش اصلی مقاله، مترجم کتاب به‌اجمال معرفی می‌شود. نقد و بررسی ترجمه فارسی این اثر، که بخش اصلی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد، در دو بخش صوری و محتوایی تنظیم شده است که نخست از جنبه صوری و شکلی نقد و ارزیابی می‌شود و در بخش دوم، ترجمه از منظر محتوایی و تخصصی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فلسفه، حسن مرتضوی، پارکینسون، نوزایی، عقل‌گرایی، اصطلاحات فلسفی، فارسی‌نویسی.

۱. مقدمه

بایسته است، پیش از نقد و بررسی ترجمه فارسی جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج^۱، در مقدمه به چند نکته بپردازیم: نخست معرفی کوتاهی از این دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه ارائه

* دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، m-shahraeini@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

می‌کنیم؛ سپس می‌کوشیم تا مجلد چهارم این دوره یعنی *The Renaissance and Seventeenth-Century Rationalism* را به‌اجمال به خوانندگان بشناسانیم؛ و سرانجام، با اشاره‌ای کوتاه به شرح‌حال علمی مترجم اثر، حسن مرتضوی، مقدمه را به‌پایان می‌بریم و به‌سراغ اصل مطلب یعنی نقد و بررسی ترجمه فارسی این اثر می‌رویم.

۱.۱ معرفی دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج

این دوره ده‌جلدی را انتشارات راتلج در سال ۱۹۹۳ با سرویراستاری جی. اچ. آر. پارکینسون و اس. جی. شنکر منتشر کرده است که به‌ترتیب عناوین هر مجلد و ویراستار آن را در زیر می‌آوریم:

- از آغاز تا افلاطون به‌ویراستاری سی. سی. دلبیو. تیلر؛
- فلسفه یونانی مآبی و اوایل قرون وسطی به‌ویراستاری دیوید فیورلی؛
- فلسفه قرون وسطی به‌ویراستاری جان مارنن؛
- دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم به‌ویراستاری جی. اچ. آر. پارکینسون؛
- فلسفه بریتانیایی و عصر روشن‌اندیشی به‌ویراستاری استورات براون؛
- عصر ایدئالیسم آلمانی به‌ویراستاری کاتلین هیگینز و رابرت سی. سولومون؛
- فلسفه در قرن نوزدهم به‌ویراستاری س. ال. تین؛
- فلسفه قاره‌ای در قرن بیستم به‌ویراستاری ریچارد کیپرنی؛
- فلسفه علم، منطق، و ریاضیات در قرن بیستم به‌ویراستاری استورات جی. شنکر؛
- فلسفه معنا، معرفت و ارزش در قرن بیستم به‌ویراستاری جان وی. کنفیلد؛

۲.۱ برجستگی‌ها و کاستی‌های این تاریخ فلسفه

پیش از ورود به مبحث برجستگی‌ها و کاستی‌های این تاریخ فلسفه، شاید بهتر باشد سخن را با ترجمه مطلب کوتاهی آغاز کنیم که سرویراستاران این مجموعه در ابتدای هر مجلد در معرفی این دوره ده‌جلدی آورده‌اند:

تاریخ فلسفه راتلج بررسی وقایع‌نگارانه‌ای را از فلسفه غرب از آغاز تا عصر حاضر به‌دست می‌دهد و هدف از نگارش آن این است که همه جریان‌های مهم فلسفی به‌دقت موردبحث قرار گیرد و به همین لحاظ، بیش‌تر به افرادی پرداخته‌ایم که، به‌اعتراف

همگان، فیلسوفان بزرگ به شمار می‌آیند. اما چهره‌های کوچک‌تر نیز از قلم نیفتاده‌اند و امیدواریم که خواننده بتواند در این تاریخ ده‌جلدی دست‌کم اطلاعات اصلی مربوط به هر فیلسوف مهم گذشته و حال را بیابد. تفکر فلسفی بریده از دیگر فعالیت‌های انسانی رخ نمی‌دهد، و در این تاریخ کوشیده‌ایم تا فیلسوفان در بستر فرهنگی، و به‌ویژه علمی روزگارشان قرار گیرند (Parkinson and Shanker 2003: iix – ix).

۱.۲.۱ برجستگی‌ها

شاید در معرفی این دوره بتوان به چند ویژگی برجسته در آن اشاره کرد که در دیگر تاریخ فلسفه‌های موجود در زبان فارسی کم‌تر به چشم می‌خورد^۲ یا اصلاً نیست:

۱. برخلاف دیگر تاریخ فلسفه‌ها که در آن‌ها فقط یک نویسنده نگارش درباره همه فیلسوفان و فلسفه‌ها را بر عهده دارد، در تاریخ فلسفه پیش‌رو، تقسیم کار کاملی صورت گرفته است و حوزه‌های تخصصی به‌دقت از هم جدا شده و نگارش فصل مربوط به هر فیلسوفی به متخصص برجسته و طراز اول همان فیلسوف سپرده شده است. این دقت‌نظر تاجایی است که درباره فیلسوفان بزرگ و دوران‌ساز دو متخصص در دو فصل جداگانه دست به قلم برده‌اند تا حق مطلب چنان‌که باید ادا شود؛

۲. نشان ویژه این تاریخ فلسفه این است که در آن فقط به توصیف و شرح دیدگاه‌های فلسفی بسنده نشده و در جای‌جای فصول متعدد شاهد آنیم که نویسنده بسیاری از پیش‌پنداشته‌های رایج در میان اهل فلسفه و در دیگر تاریخ فلسفه‌ها را به چالش می‌کشد و از موضعی منحصر به فرد وارد بحث و تحلیل می‌شود تاجایی که شاید بتوان گفت خواننده در هر فصل خود را به‌نوعی شاهد رویارویی زنده نویسنده هر فصل با فیلسوف مورد بحث می‌یابد و از این ره‌گذر هم فلسفه می‌آموزد و هم فلسفه‌ورزی را؛

۳. خواننده در کنار مطالب تازه عمومی و تاریخی با مجموعه‌ای از مقالات انتقادی و تخصصی در سطحی بسیار بالا روبه‌رو می‌شود که به ترتیب تاریخی کنار هم قرار گرفته‌اند. بنابراین، این مجموعه نه تنها برای دانش‌جویان کارشناسی فلسفه و علاقه‌مندان به فلسفه و تاریخ اندیشه جذابیت دارد، برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و حتی برای استادان حوزه فلسفه نیز مطالب تازه و خواندنی بسیاری دارد؛

۴. هر مجلد از این تاریخ فلسفه با جدول گاه‌شماری در آغاز هم‌راه است که در چهار ستون جداگانه شامل رویدادهای مربوط به چهار حوزه: الف) فلسفه، ب) علم و فناوری،

ج) هنر، و د) سیاست و دین تنظیم شده است و به خواننده این امکان را می‌دهد تا با نگاهی اجمالی به این جدول تصویری کلی از فضای فکری - فرهنگی حاکم بر دوره مورد بحث در هر مجلد را در ذهن خود ترسیم کند؛

۵. هر مجلد از این تاریخ فلسفه با اصطلاح‌نامه‌ای از واژگان فنی و تخصصی پرکاربرد در حوزه مورد بحث به پایان می‌رسد. در این بخش، ویراستار هر مجلد می‌کوشد اصطلاحات را به‌زبانی روشن و در چند سطر برای خواننده بازنماید تا خوانش متن هرچه آسان‌تر و بحث‌های تخصصی هرچه فهم‌پذیرتر شود؛

۶. در پایان هر فصل خواننده نخست خود را با پی‌نوشت‌های تفصیلی و بسیار دقیق و راه‌گشای نویسنده روبه‌رو می‌بیند و پس از اتمام پی‌نوشت‌ها، کتاب‌شناسی تفصیلی متناظر با تمام عناوین اصلی و فرعی مطرح در آن فصل در پیش‌روی خواننده قرار می‌گیرد که بر ارزش تحقیقی کار بسیار افزوده است. این کتاب‌شناسی شامل این موارد است: ۱. آثار عمومی؛ ۲. ویراست‌های زبان اصلی و دوزبانه؛ ۳. ترجمه‌های انگلیسی آثار؛ و ۴. متون فرعی و حاشیه‌ای.

۲.۲.۱ کاستی‌ها

شاید آنچه در این جا می‌آوریم به‌خودی‌خود کاستی به‌شمار نیاید، ولی وقتی از منظر خواننده تاریخ فلسفه بدان بنگریم به‌نوعی آزارنده باشد و کاستی به‌شمار رود:

۱. تفاوت در زبان نوشتاری فصول متفاوت این تاریخ فلسفه که گاه زبانی کاملاً توصیفی است و گاه از همان آغاز تحلیلی است و همه پیش‌فرض‌های رایج را به‌چالش می‌کشد؛

۲. تفاوت در نحوه ارجاعات و استنادات که در چندی از فصول تمامی ارجاعات درون‌متنی است و در چندی دیگر از فصول در تمام فصل یک ارجاع درون‌متنی هم به‌چشم نمی‌خورد و همه ارجاعات به پی‌نوشت‌ها منتقل شده است (برای نمونه، در جلد چهارم در تمامی فصول ارجاعات به‌صورت پی‌نوشت آمده است، جز فصل نهم که همه ارجاعات درون‌متنی است) و گاه ترکیبی از این دو سلیقه (برای نمونه در فصل پنجم از مجلد دوم) را نیز می‌بینیم؛

۳. تفاوت در نثر انگلیسی و در نحوه بیان مطالب هر فصل که این مطلب بر ترجمه فارسی هم بازمی‌تابد و از دست مترجم هم در این زمینه کاری بر نمی‌آید (برای نمونه، فصل

مربوط به سیاست ارسطو در جلد دوم که نثری دشوار دارد، درحالی که فصل مربوط به لایب‌نیتس در جلد چهارم نثری بسیار روان و ساده دارد؛

۴. تفاوت در نحوه تنظیم مطالب هر فصل که گاه نویسنده با مقدمه‌ای تاریخی آغاز می‌کند، گاه با بحثی مفهومی و دشوار، و گاه بی‌هیچ مقدمه‌ای وارد بحث اصلی می‌شود. و در ادامه فصل هم هر نویسنده با توجه به سلیقه خود گاه تقسیماتی فرعی اعمال می‌کند و گاه نویسنده بی‌هیچ عنوان‌بندی اصلی و فرعی از آغاز تا پایان فصل را یک‌نفس به پیش می‌برد؛

۵. تفاوت در کتاب‌شناسی‌های پایان هر فصل که از خط‌مشی واحدی تبعیت نشده است و خواننده درباره چرایی آوردن پاره‌ای منابع و نیارودن پاره‌ای دیگر گاه سردرگم می‌ماند؛

۶. برخلاف نظر سرویراستاران این مجموعه که برآن‌اند «مخاطب این تاریخ فلسفه نه فقط متخصصان، بلکه خوانندگان عمومی نیز هستند و ما به این منظور کوشیده‌ایم تا مطمئن شویم تک‌تک فصول به‌شیوه‌ای قابل فهم نوشته شود» (ibid.: iix – ix)، در اغلب فصول این تاریخ فلسفه دانشی نه عمومی، بلکه تخصصی و در سطح دانشجویان تحصیلات تکمیلی از حوزه مورد بحث مفروض است و گاه حتی سطح بحث از این هم بالاتر است و فقط برای صاحب‌نظران و متخصصان همان حوزه خاص قابل استفاده است.

۳.۱ معرفی جلد چهارم: رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم

معرفی این مجلد را نیز با آوردن فرازی از مقدمه ویراستار این مجلد آغاز می‌کنیم:

فلسفه مورد بحث در این مجلد دوره‌ای سی صد و پنجاه ساله از نیمه‌های سده چهاردهم تا سال‌های آغازین سده هجدهم، یعنی زایش فلسفه جدید، را در برمی‌گیرد. مباحث اصلی شامل فلسفه نوزایی و عقل‌گرایی سده هفدهم، به‌ویژه دکارت، اسپینوزا، و لایب‌نیتس است. کتاب حاضر منحصر به همین جنبش‌ها نیست، بلکه آن‌ها در فضای نظری گسترده‌تری بررسی می‌شوند. تفکر مدرسی که فلسفه نوزایی با آن در تعامل بود و نیز تفکر فیلسوفان سده هفدهم مانند بیکن، هابز، و گاسندی که گرچه عقل‌گرا نبودند، تفکرشان واکنش‌هایی را در عقل‌گرایان برانگیخت مدنظر قرار می‌گیرد. مبحث مهم ظهور علم جدید در سده‌های شانزدهم و هفدهم و روابط آن با فلسفه این دوره نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. مجلد پیش رو مقدمه جامع عالمانه‌ای بر این دوره و نیز پاره‌ای تفسیرهای اصیل درباره فیلسوفان این دوره را در اختیار دانشجویان فلسفه و رشته‌های مرتبط قرار می‌دهد. هم‌چنین، جدول

گاه‌شماری شامل رویدادهای فلسفی، علمی، و دیگر وقایع فرهنگی و اصطلاح‌نامه‌ای از واژگان فنی را در خود دارد.

حال، نظر به این که در بخش‌های ۱.۲.۱ و ۲.۲.۱ به تفصیل درباره برجستگی‌ها و کاستی‌های این دوره ده‌جلدی سخن گفتیم، در این جا می‌کوشیم، با رعایت اختصار، فقط به آوردن ویژگی‌های (برجستگی‌ها و کاستی‌های) جلد چهارم، *رئسانس و عقل‌باوری سده هفدهم*، بسنده کنیم:

۱.۳.۱ برجستگی‌های کتاب

۱. شاید برجسته‌ترین ویژگی که در همان آغاز مطالعه این کتاب توجه خواننده ژرف‌بین را به خود جلب می‌کند مقدمه مفصل و بسیار عالمانه‌ای است که ویراستار این مجلد بر این کتاب نوشته است و شاید بهتر باشد بگوییم بیش از آن که فقط یک مقدمه باشد، فصلی است مستقل و در حد معرفی انتقادی کتاب که با تسلط و احاطه کامل به‌نگارش درآمده است و خواننده را در جریان کامل مطالب کتاب قرار می‌دهد؛

۲. در این کتاب فلسفه دوران نوزایی و عقل‌گرایی در پیوند با هم مطرح شده و تلاش بر این بوده است تا از منظری نو به موضوع نگریسته شود. دو فصل آغازین به فلسفه دوران نوزایی اختصاص یافته است. در بحث از دوره نوزایی، نزاع‌های مطرح میان متفکران دوره نوزایی بر سر جانب‌داری از افلاطون یا ارسطو، و دوری یا نزدیکی آن‌ها به سنت مسیحی به تفصیل مطرح شده، شکاکیت و گونه‌های مختلف آن مورد بحث قرار گرفته، به نهضت ترجمه دوباره متون یونانی به زبان لاتینی به دست اومانیست‌ها اشاره شده است، و حتی گاه‌وبی‌گاه اشاراتی به سنت فلسفه اسلامی و مواجهه فیلسوفان دوره نوزایی با این سنت را شاهدیم. با این دو فصل زمینه‌سازی بسیار خوبی فراهم آمده است تا خواننده بسیاری از دیدگاه‌های فیلسوفان بزرگ سده هفدهم را در بستر شکل‌گیری آن‌ها دریابد و تفکر فلسفی را در قالب پیوستار واحدی ببیند که فقط در تداوم گذشته می‌توان آن را درست فهمید؛

۳. علم و ریاضیات در این مجلد در فصلی جداگانه و در پیوند با تفکر فلسفی این دوره به تفصیل بررسی شده است. این فصل دو امکان را در اختیار خواننده می‌گذارد: نخست، به نقش ریاضیات در پیش‌برد علم در سده هفدهم پی می‌برد؛ و دوم، به پیوند وثیقی که میان علم و فلسفه در این دوران وجود داشته است واقف می‌شود؛

۴. از سنت رایج در دیگر تاریخ فلسفه‌هایی که در زبان فارسی می‌شناسیم پیروی نشده است و برای نخستین بار فرانسیس بیکن و تامس هابز و گاسندی در این تاریخ فلسفه در پیوند با عقل‌گرایان مورد بحث قرار می‌گیرند؛

۵. در پرداختن به عقل‌گرایان به فیلسوفان و سنت‌های فکری‌ای توجه شده است که در زبان فارسی یا کم‌تر مطرح شده‌اند یا تقریباً نامی از آن‌ها به میان نیامده است؛ برای نمونه در فصل مربوط به دکارت به روش‌شناسی و فلسفه طبیعی دکارت توجه خاصی شده است، در فصل مربوط به اسپینوزا فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست او در پیوند با هم مطرح و تصویری کلی از اوضاع سیاسی هلند آن روزگار ارائه شده است و از کسانی مانند ولتهویسن (Lambertus Van Velthuysen)، یوهان، و پیترو دلاکورت (Johan and Pieter de la Court) سخن به میان آمده است. در فصل مربوط به موقع‌گرایی (occasionalism)، پیش از پرداختن به مالبرانش، پیشینه کاملی از این جریان ارائه می‌شود و به اندیشه‌های کسانی مانند لوئیژ دلافورژ (Louis de La Forge)، ژرو دیکوردموی (Geraud de Cordemoy) و آرنو خولینکس (Arnold Geulincx) اشاره می‌شود و مکتب موقع‌گرایی در پیوند با اندیشه‌های دکارت و لایب‌نیتس مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲.۳.۱ کاستی‌های کتاب

۱. به نظر می‌رسد در کتابی که عنوان رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم را بر خود دارد باید فصلی جداگانه به مبحث روش و روش‌شناسی اختصاص داده می‌شد؛ زیرا چنان‌که می‌دانیم سده هفدهم به سده روش معروف است و در دوره نوزایی نیز آن‌چه نشان ویژه اغلب اندیشمندان آن دوره است توجه به روش است. البته در هر فصلی به این مبحث پرداخته شده است، ولی بهتر بود فصلی جداگانه به آن اختصاص داده می‌شد؛

۲. شاید بی‌جهت نبود اگر در همان آغاز کتاب و پس از فصول مربوط به رنسانس فصلی جداگانه به شکاکیت اختصاص می‌یافت و بسترهای احیای شکاکیت باستان و مکاتب دوران یونانی‌مآبی و اکاوی می‌شد؛

۳. شاید بهتر بود به پاسکال هم (البته نه در فصلی جداگانه، بلکه ذیل یکی از فصول) پرداخته می‌شد و نسبت او با سنت عقل‌گرایی بررسی می‌شد؛

۴. شاید بی‌مناسبت نبود اگر به لایب‌نیتس هم مانند دکارت و اسپینوزا در دو فصل جداگانه پرداخته می‌شد و دو متخصص یکی درباره منطق و دیگری درباره مابعدالطبیعه وی

بحث می‌کردند. همین کاستی سبب شده است تا خواننده متخصص تفاوت سطح فصل مربوط به لایب‌نیتس با فصول قبلی را آشکارا احساس کند.

۴.۱ معرفی مترجم کتاب

این کتاب را حسن مرتضوی، یکی از پرکارترین مترجمان سال‌های اخیر در ایران، ترجمه کرده است. این مترجم بیش‌تر آثار مارکسیستی را ترجمه کرده است و از او تاکنون نزدیک به پنجاه ترجمه در دست است. از مهم‌ترین ترجمه‌های مرتضوی می‌توان به ترجمه سرمایه؛ نقدی بر اقتصاد سیاسی و دست‌نوشته‌های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴ از مارکس اشاره کرد. تازه‌ترین کار گسترده این مترجم ترجمه چهار جلد از دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج است که البته مجلد دوم را آقای علی معظمی به فارسی برگردانده است.^۳

۲. نقد، بررسی، و ارزیابی ترجمه فارسی جلد چهارم تاریخ فلسفه راتلج:

رئسانس و عقل‌باوری سده هفدهم

۱.۲ نقد و بررسی صوری و شکلی

در معرفی ترجمه فارسی نیز باید از این‌جا شروع کنیم که ناشر اصلی ترجمه فارسی این دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج انتشارات چشمه است، ولی یکی دو مجلد (از جمله همین جلد چهارم) را ناشران دیگری منتشر کرده‌اند. این مجلد را «انتشارات پویه‌نگار» در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده است.^۴ این ترجمه در قطع رقعی و با جلد سخت (گالینگور) در ۷۲۸ صفحه^۵ منتشر شده است. روی جلد طراحی مبهمی از چهره اسپینوزا بر زمینه‌ای روشن نقش بسته و در پشت جلد هم ترجمه معرفی کوتاهی از سرویراستاران درباره دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه به چشم می‌خورد و بعد هم عناوین ده جلد و ویراستاران هرکدام به ترتیب آمده است. کتاب شامل یک صفحه عنوان دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه راتلج، پشت صفحه سفید، یک صفحه عنوان جلد چهارم رئسانس و عقل‌باوری سده هفدهم به هم‌راه نام ویراستار، ج. اچ. آر. پارکینسون، و نام مترجم، حسن مرتضوی، و یک صفحه اطلاعات مربوط به شناسنامه کتاب و مشخصات ناشر است و متن اصلی از صفحه پنج با «فهرست» آغاز می‌شود. مندرجات کتاب را به ترتیب فهرست می‌آوریم:

- توضیحی درباره جلد چهارم؛

- پیش‌گفتار ویراستاران اصلی؛
- درباره نویسنده‌گان؛
- گاه‌شماری؛
- مقدمه، به قلم ج. اچ. آر. پارکینسون؛
- فلسفه رنسانس ایتالیایی، به قلم جیل کرای؛
- فلسفه رنسانس خارج از ایتالیا، به قلم استیوارت براون؛
- علم و ریاضیات از رنسانس تا دکارت، به قلم جورج مولاند؛
- فرانسیس بیکن و قلمرو دووجهی انسان، به قلم آنتونیو پرز راموس؛
- دکارت: روش‌شناسی، به قلم استفن گائوک‌روجر؛
- دکارت: متافیزیک و فلسفه ذهن، به قلم جان کاتینگ‌هم؛
- ماتریالیسم سده هفدهم: گاسندی و هابز، به قلم ت. سورل؛
- اسپینوزا: متافیزیک و شناخت، به قلم ج. اچ. آر. پارکینسون؛
- فلسفه اخلاقی و سیاسی اسپینوزا، به قلم هانس و. بلوم؛
- سبب‌سازانگاری، به قلم دیزی رادنر؛
- لایبنیتس: حقیقت، شناخت، و متافیزیک، به قلم نیکولاس جولی؛
- واژه‌نامه؛
- نمایه.

۱.۱.۲ ظاهر کتاب شامل طرح جلد و مطالب پشت جلد و قطع کتاب

بهتر است نقد صوری کتاب را از همان طرح روی جلد آغاز کنیم. چنان‌که در معرفی اولیه کتاب آوردیم، طرح جلد طراحی مبهمی است از اسپینوزا که نه گویای عنوان کامل کتاب است و نه بر همه عقل‌گرایان دلالت دارد. البته، به فرض هم که تصویر اسپینوزا را برای این طرح روی جلد مناسب بدانیم، این طراحی از چهره اسپینوزا در چنان زمینه محوی قرار گرفته است که حتی برای اهل فلسفه هم دقتی لازم است تا تشخیص دهند که این طرح اولیه تصویری است از اسپینوزا. در اصل انگلیسی این کتاب، عنوان تاریخ فلسفه راتلج، جلد چهارم با قلم ریز و عنوان اصلی کتاب، یعنی رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم، درشت‌تر حروف‌چینی شده است که به نظر می‌رسد باید در چاپ فارسی هم همین قاعده

رعایت می‌شد تا خواننده در همان نگاه نخست عنوان اصلی کتاب را ببیند. در چاپ فارسی برعکس عمل شده است؛ یعنی تاریخ فلسفه راتلج درشت و تیره و عنوان اصلی کتاب رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم ریز حروف چینی شده است. در عطف جلد نیز عنوان به همین صورت آمده است، با این تفاوت که به جای جلد چهارم عدد ۴ جداگانه حروف چینی شده و عنوان ناشر «پویه‌نگار» نیز بر آن درج شده است.^۶

در پشت جلد، هم‌چنان‌که آوردیم، ترجمه معرفی کوتاهی از سرویراستاران درباره دوره ده‌جلدی تاریخ فلسفه به چشم می‌خورد و بعد، عنوان ده‌جلد و ویراستاران هرکدام به ترتیب آمده است. شاید بهتر بود، بعد از معرفی کوتاه کل دوره، مطلبی هم در معرفی همین مجلد پیش رو از متن اصلی انتخاب می‌شد. توقع خواننده فارسی‌زبان متون ترجمه‌شده بر این است که عنوان لاتینی اثر و نام پدیدآورنده در پشت جلد درج شود که چنین نیست و تقریباً در هیچ‌جای این ترجمه عنوان کامل اثر به زبان اصلی نیامده است، مگر در شناسنامه کتاب که فقط عنوان مجلد چهارم *The Renaissance and 17th Century Rationalism* را با قلمی ریز می‌یابیم.

پیش از ورود به نقد صوری و شکلی متن اصلی، بی‌مناسبت نیست اگر به قطع رُقعی کتاب و صحافی آن نیز اشاره کنیم. به نظر می‌رسد برای کتابی در این حجم قطع وزیری مناسب‌تر باشد و خواندن کتاب و تورق آن را آسان‌تر کند. صحافی کتاب و بُرش صفحات کتاب نیز اصلاً مناسب نیست و کتاب خوش‌دستی را در اختیار خواننده نمی‌گذارد.^۷

۲.۱.۲ نقد صوری و شکلی مندرجات ترجمه از آغاز تا پایان

اطلاعات مربوط به شناسنامه کتاب درباره جلد یک تا چهار از این دوره ده‌جلدی است، به گونه‌ای که نام سه ناشر، دو مترجم، و چهار کتاب در آن به چشم می‌خورد. همین امر خواننده را سرگردان می‌کند که چرا مطالبی در شناسنامه کتاب هست که ربطی به مجلد پیش روی او ندارد. بهتر بود یا فقط اطلاعات مربوط به شناسنامه جلد چهارم را در این بخش می‌گنجاندند یا اطلاعات مربوط به هر جلد به تفکیک می‌آمد تا خواننده از این حیث سردرگم نشود. در ادامه، می‌کوشیم به جای بررسی موردی ایرادهای صوری آن‌ها را ذیل چند دسته کلی و برای هرکدام نمونه‌هایی را از کتاب بیاوریم:

۱. نبود ویراستار ادبی و صوری: هر مجلد این اثر ده‌جلدی ویراستاری جداگانه دارد و دو سرویراستار نیز وظیفه ویرایش متون کل دوره را برعهده داشته‌اند. بنابراین،

نخستین کاستی بزرگی که به لحاظ صوری در چاپ فارسی به چشم می‌خورد غیاب ویراستاری کاربلد است که ترجمه را بپیراید و ناهم‌خوانی‌های آشکاری را که در رسم‌الخط، ضبط اسامی اشخاص و آثار، و نحوه تنظیم پی‌نوشت‌ها به چشم می‌خورد برطرف کند؛

۲. ناهم‌خوانی فهرست مندرجات ترجمه با فهرست مندرجات متن اصلی: در فهرست مندرجات متن اصلی، پس از مقدمه سرویراستار کتاب، فصول متعدد کتاب با شماره‌گذاری از ۱ تا ۱۱ مشخص شده‌اند و همین شماره‌گذاری در آغاز هر فصل نیز با عنوان Chapters 1-11 درج شده است. در فهرست مندرجات ترجمه فارسی این شماره‌گذاری حذف شده است، درحالی‌که به پیروی از متن اصلی فصول یازده‌گانه کتاب با شماره از ۱ الی ۱۱ در بالای صفحه آغازین هر فصل درج شده است. این کار سبب شده است تا تأکیدی که در فهرست مندرجات متن اصلی روی فصول یازده‌گانه درمقام متن اصلی کتاب بوده و به خواننده نیز کمک می‌کرده است تا شروع و پایان فصول اصلی کتاب را با شماره‌گذاری از ۱ تا ۱۱ متوجه شود در فهرست مندرجات ترجمه فارسی از میان برود؛

۳. استفاده از واژگان بیگانه در ترجمه: مترجم محترم واژگان انگلیسی متعددی را مانند «modern» (ص ۳۷، ب ۲، س ۶؛ ص ۳۹، ب ۲، س ۱ و ۳)،^۸ «renaissance» (در عنوان روی جلد و در عناوین فصول ۱ و ۲؛ در صفحه ۳۳ تا ۳۵ حدود ۲۰ بار)، «technique» (ص ۱۰، ب ۲، س ۷)، «object» (ص ۳۹، ب ۲، س ۷)، «idea» (ص ۱۴، ب ۱، س ۲؛ ص ۴۱، ب ۲، س ۳)، «thesis» (ص ۴۴، ب ۲، س ۲)، «materialism» (ص ۴۸، ب ۱ س ۱ و ۲ و ۵ و ۶)، «analysis and synthesis» (صفحه ۵۲، یادداشت شماره ۳۴؛ ص ۳۲۸، ب ۱، س ۱)، «arithmetic» (ص ۳۲۹، ب ۱، س ۸)، «ideal» (ص ۲۸۱، س ۱۵)، و «genre» (ص ۵۹، ب ۲، س ۸) را به فارسی برگردانده و همان معادل‌های انگلیسی را به رسم‌الخط فارسی درآورده است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد برای این واژگان برابره‌های فارسی یا عربی کاملاً گویا و رایجی وجود دارد که بهتر بود در ترجمه از آن‌ها استفاده شود؛^۹

۴. استفاده زیاد از صیغه مجهول در ترجمه: مترجم محترم در ترجمه هرگز از به‌کارگیری صیغه مجهول افعال دست‌نکشیده است و تقریباً در بیش‌تر مواردی که در نثر انگلیسی فعل به صیغه مجهول بوده است، او نیز همان‌گونه عمل کرده است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد استفاده از فعل مجهول در نثر فارسی رایج نیست و در متون ادب فارسی،

کاربرد افعال در صیغه مجهول کم‌یاب است. برای نمونه، در صفحه ۵۹، بند نخست، در ۸ سطر آغازین صفحه، پنج بار، و در ۶ سطر آغازین صفحه ۱۰۴، چهار بار فعل مجهول آمده است. این کاستی از همه‌جا آشکارتر در دو بندی که در پشت جلد در معرفی دوره ده‌جلدی برای راه‌نمایی خواننده فارسی‌زبان آمده است آزارنده است: در این دو بند، که حدود ۹ سطر است، مترجم نه بار از صیغه مجهول استفاده کرده است که تقریباً در هر سطر یک بار فعل مجهول به‌کار رفته است؛

۵. نسبت دادن فعل به فاعل غیرجان‌دار: مترجم محترم به‌پیروی از نثر انگلیسی متن اصلی، که در آن‌جا هیچ محدودیتی در انتساب فعل به فاعل غیرجان‌دار وجود ندارد، در ترجمه نیز از نسبت دادن فعل به فاعل غیرجان‌دار دست‌نکشیده و حتی گاه تعبیر «به‌نظر...» را، که ویژه آدمی است، برای علم جدید به‌کار برده است (ص ۴۶، ب ۲، س ۷)؛ درحالی‌که در نثر فارسی، مگر در متون ادبی که قصد جان‌بخشی به چیزی را داریم، چنین کاری نامعمول و ناپسند است. برای نمونه، می‌توان جمله آغازین پشت جلد را مثال آورد: «تاریخ فلسفه راتلج به‌ترتیب زمانی به بررسی... می‌پردازد». از این دست نمونه‌ها در ترجمه فراوان است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: صفحه ۷، بند ۲، سطر ۱ الی ۳؛ صفحه ۱۱، بند ۱، سطر ۲؛ صفحه ۳۶، بند ۲، سطر ۱؛ و صفحه ۴۷، سطر ۱.

۶. ایراد در ضبط اسامی خاص: در برگردان اعلام به فارسی چند کاستی به‌چشم می‌خورد که هرکدام آن‌ها را در بخشی جداگانه می‌آوریم:

الف) مترجم در ترجمه عناوین آثار شناخته‌فلسوفان در جای‌جای ترجمه ضبط‌های ناهم‌گون و متفاوتی را آورده است که خواننده را سردرگم می‌کند. برای نمونه، عنوان اثر جیان فرانچسکو پیکو را در صفحه ۲۰ بررسی بیهودگی آموزه‌های مشرکان و در صفحه ۱۰۳ بررسی سترونی آموزش کافران و حقیقت آموزه مسیحی ترجمه کرده است. در صفحه ۲۵، نام اثری از گاسندی را تکالیف متناقض علیه مکتب ارسطویی^{۱۰} ترجمه کرده است، درحالی‌که همین اثر را در صفحه ۴۱۴ به تمرین‌هایی پارادوکسیکال علیه ارسطویان برگردانده است. اثر معروف دکارت، که نامش بر هر دانشجوی فلسفه‌ای آشناست، در صفحه ۲۶ گفت‌وگو درباره روش، در صفحه ۴۲ گفتارهایی درباره روش، در صفحه ۳۰۶ گفتار در روش، در صفحه ۳۳۱ گفتار درباره روش، و در صفحه ۳۳۶ گفتاری درباره روش ضبط شده است. همین مطلب درباره ضبط آثار بیش‌تر فیلسوفان از جمله بیکن، اسپینوزا، هابز، و دیگران نیز صدق می‌کند.^{۱۱}

- ب) مترجم گاه عناوین آثار فیلسوفان را به صورتی نامتعارف آورده است که خواننده را در فهم مطلب به دشواری می‌اندازد؛ در ادامه نمونه‌هایی را با ضبط رایج آن‌ها می‌آوریم:
- *تئولوژی* که همان *اثولوجیا* است (ص ۱۰۸، ب ۲، س ۸ و ۱۱)؛
 - *نوسازی بزرگ* که همان *احیای کبیر* است (ص ۲۶۱، ب ۲، س ۲)؛
 - *پاسخ به ایرادات* که همان *اعتراضات و پاسخ‌ها* است (ص ۳۷۱، ب ۱، س ۴)؛
 - *مجموعه فلسفه* که همان *جامع فلسفه* است (ص ۴۲۱، ب ۱، س ۱۸)؛
 - *رساله‌ای در باب تصحیح عقل و رساله‌ای کوتاه* که همان *رساله اصلاح فاهمه و رساله مختصره* است (ص ۴۷۰، ب ۱، س ۱)؛
 - *گفت‌وگوهای افلاطون* که همان *محاورات افلاطون* است (ص ۸۵، ب ۱، س ۱۲)؛
 - *گفتار درباره متافیزیک* که همان *گفتار در مابعدالطبیعه* است (ص ۶۴۲، ب ۲، س ۲)؛
 - *طبیعیات کوچک و مکانیک* که همان *قراضه طبیعیات و علم‌الحیل* است (ص ۹۷، ب ۲، س ۹)؛
 - *عواطف نفسانی* که همان *انفعالات نفس* است (ص ۳۸۷، ب ۱، س ۶)؛
- ج) در ترجمه در مواردی با ضبط نادرست اسامی خاص روبه‌رو می‌شویم که بسیار آزارنده است؛ در ادامه نمونه‌هایی را با ضبط درست آن‌ها می‌آوریم:
- «*الکساندر آفرودیسی*» که همان «*اسکندر آفرودیسی*» است (ص ۹۸، ب ۱، س ۲ و ۳)؛
 - «*گئورگ تریزونند*» که همان «*جورج اهل طرابوزان*» یا «*جورج طرابوزانی*» است (ص ۹۸، ب ۲، س ۱۰)؛
 - «*آرنولد*» که همان «*آرنو*» است (ص ۳۴۱، س ۱۲)؛
 - «*فیلثوس*» که همان «*فیلپوس*» است (ص ۹۲، ب ۱، س ۵)؛
 - «*دیوژن لائرتیوس*» که همان «*دیوگنس لائرتیوس*» است (ص ۴۲۱، ب ۱، س ۱)؛
 - «*نبرد آگین کورت*» که همان «*نبرد آجینکورت یا آژنکور*»^{۱۲} است (ص ۱۶، ردیف ۲ جدول گاه‌شماری).
- د) به نظر می‌رسد باید در ضبط اسامی خاص ملیت و زبانی را اصل بگیریم که آن اسم متعلق به آن است، در حالی که مترجم تقریباً در بیش‌تر موارد بی‌هیچ قاعده‌ای و بنابه سلیقه خویش اسامی را ضبط کرده است؛ مثلاً «*Stuart*» را که نامی انگلیسی و مشابه «*Stewart*» یا

«Steuart» است «استیوارت» ضبط کرده است، درحالی‌که باید «استوارت» یا «استیوئرت» ضبط شود (نام نویسنده فصل دوم کتاب، ص ۱۴۵). مثلاً «Antoine Arnauld» را که فردی فرانسوی و معاصر دکارت است «آنتوان آرنولد» آورده است که جزء اول اسم به فرانسه و جزء دوم را به انگلیسی تلفظ کرده است که باید «آنتوان آرنو» باشد (ص ۳۶۹، ب ۲، س ۳ و ۴). نمونه‌هایی از این آشفتگی در ضبط اسامی را، که در گاه‌شماری مندرج صفحات آغازین کتاب (۱۵ الی ۳۱) می‌توان یافت، می‌آوریم:

- «نیکلاس کوسایی» که باید «نیکلا کوزایی» باشد؛
- «لورنزو» که باید «لورنتسو» باشد؛
- «برادران لیمبورش» که باید «برادران لیمبورخ» باشد؛
- «یان هوس» که باید «جان هاس» باشد؛
- «کوزیمو» که باید «کاسیمو» باشد؛
- «پومپونازی» که باید «پومپوناتسی» باشد؛
- «آمریکو وسپوچی» که باید «آمریگو وسپوتچی» باشد؛
- «کالوین» که باید «کالون» باشد.^{۱۳}

و) مترجم در درج حروف اختصاری مربوط به اسامی نویسندگان مقالات کتاب هم به‌شیوه عجیبی عمل کرده است؛ به این معنا که پاره‌ای حروف اختصاری را با تلفظ فارسی و پاره‌ای دیگر را با تلفظ لاتین ضبط کرده است. برای نمونه، «G. H. R. Parkinson» را «ج. اچ. آر. پارکینسون» آورده که معلوم نیست چرا حرف «G.» را به صورت فارسی «ج.» و نه «جی.» و دو حرف دیگر را به تلفظ انگلیسی آورده است.^{۱۴}

۷. درج ناقص نمایه‌ها: در فهرست مندرجات متن اصلی دو گونه نمایه آمده است: «نمایه نام‌ها» و «نمایه موضوعات»؛ اما در فهرست مندرجات ترجمه، بی‌هیچ توضیحی، فقط عنوان «نمایه» آمده است. وقتی به بخش «نمایه» در ترجمه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که نمایه «نام‌ها» یا «اعلام» فقط نام اشخاص را در برمی‌گیرد و «نمایه موضوعات» یا اصطلاحات از آن حذف شده است، بی‌آن‌که مترجم این را در جایی از ترجمه توضیح داده باشد. لازم بود این نکته برای خواننده روشن شود که این نمایه فقط شامل نام اشخاص است. هم‌چنین مشخص نیست که چرا در کتابی تخصصی در این سطح نمایه موضوعی، که برای کارهای پژوهشی بسی بایسته می‌نماید، حذف شده است.

۲.۲ نقد و بررسی محتوایی

در این بخش نیز به سیاق بخش‌های پیشین می‌کوشیم مطالب خود را در ذیل چند عنوان دسته‌بندی کنیم:

۱. **نبود مقدمه مترجم:** در اثری با این حجم و در این سطح از تخصص، که در متن اصلی آن چند نوشتار مقدماتی درباره‌ی کل دوره‌ی ده‌جلدی، توضیحی درباره‌ی مجلد چهارم، و مقدمه‌ای تفصیلی و تخصصی درباره‌ی محتوای کتاب وجود دارد، بی‌گمان بایسته می‌نماید که مترجم نیز به سهم خود خواننده را در جریان کار خود قرار دهد؛ به این معنا که اهمیت کتاب، دلیل ترجمه‌ی کتاب، جایگاه اثر در میان آثار مشابه، و شیوه‌ی کار خود را در برگرداندن متن به فارسی و نکاتی محتوایی و تخصصی که در فهم ترجمه به خواننده یاری می‌رساند بازگو کند؛^{۱۵}

۲. **نبود ویراستار محتوایی:** در ترجمه‌ی اثری با این حجم و در این سطح از مطالب تخصصی، که هر فصل آن را یکی از صاحب‌نظران نوشته و ویرایش این مجلد را نیز ویراستاری متخصص برعهده داشته است، انتظار زیادی نیست که دست‌کم ویراستاری اهل فلسفه و آشنا به این حوزه ویرایش محتوایی ترجمه را برعهده داشته باشد تا متن را به‌زبان اهل فن درآورد و متنی در این سطح را از پاره‌های تعابیر و ترکیبات نامأنوس و اغلب نادرست برای اهل فلسفه مانند «هوش‌های سیاره‌ای» به‌جای «عقول فلکی» در ترجمه‌ی «planetary intelligences» (ص ۷۱۹، بند آخر) و «تشابه» به‌جای «اصالت موازات» در ترجمه‌ی «parallelism» (ص ۷۰۶، ب ۳) و «نظریه‌ی انطباق حقیقت» به‌جای «نظریه‌ی مطابقت صدق» در ترجمه‌ی «correspondence theory of truth» (ص ۷۰۸، بند ۴) پاکیزه کند؛

۳. **ترجمه‌ی نادقیق برخی اصطلاحات:** در این جا نمونه‌هایی از بی‌دقتی در ترجمه را می‌آوریم:

الف) در صفحه‌ی ۹ سطرهای ۳ تا ۴ در ترجمه‌ی «a period eye» تعبیر «دیدگاهی متکی بر دوران» آمده است که فقط ترجمه‌ی آزادی است از عبارت انگلیسی، غافل از این‌که نویسنده از قراردادن این اصطلاح درون گیومه منظوری دارد و آن هم روشی تحلیلی است که مورخان هنر آن را به‌کار می‌برند. این اصطلاح را مایکل بکسندل (۱۹۳۳-۲۰۰۸)، مورخ هنر و متخصص هنر دوران نوزایی، در کتابش، *نقاشی و تجربه در ایتالیای سده‌ی پانزدهم*، وضع کرده و کوشیده است تا بر این اساس شرایط فرهنگی را توصیف کند که آثار هنری دوره‌ی نوزایی در آن شرایط خلق، دیده، و فهمیده می‌شده‌اند. او بر آن است که مردمان هر

دوره‌ای که در چهارچوب فرهنگی خاص رشد می‌کنند تجربه‌ها و شیوه‌های اندیشیدن مشترکی دارند که بر نحوه ادراک بصری آن‌ها از تصاویر هنری اثر می‌گذارد. با این توضیحات روشن می‌شود که ترجمه «نگاه دوره‌ای» درست‌تر می‌نماید، البته اگر با پانوشت توضیحی درباره خود این اصطلاح هم‌راه باشد؛

ب) شبیه به مورد قبلی را در صفحه ۱۰، بند ۲، سطر ۱ نیز می‌بینیم. در این جا نیز اصطلاح «radical translator» به «مترجم افراطی» ترجمه شده است، غافل از این که اصطلاحی است که آن را نخستین بار کوآین (۱۹۰۸-۲۰۰۰)، فیلسوف معاصر آمریکایی، ابداع کرد. منظور او از این تعبیر توصیف وضعیت مترجمی است که می‌خواهد زبان کاملاً ناشناخته‌ای را ترجمه کند که هیچ نسبتی با زبان خودش ندارد. او برای این کار چاره‌ای جز تکیه بر رفتار مشهود کاربران این زبان ندارد. چنین کاری، به نظر کوآین، شبیه به معجزه است و نمی‌توان چیزی را دوباره به همان زبان اصلی برگرداند. در این جا هم به نظر می‌رسد باید این اصطلاح را به «مترجم بنیادی» برگرداند و پانوشتی توضیحی نیز به متن افزود؛

ج) در صفحه ۳۴، سطر ۳، اصطلاح «thisness» به «وجه‌تمایز» ترجمه شده و در پانوشت نیز توضیحی آمده است، مبنی بر این که اصطلاح مزبور برگردان انگلیسی واژه لاتینی «haecceity» در قرون وسطی است که دونس اسکوتس آن را وضع کرده است. نخست آن که «وجه‌تمایز» ترجمه مناسبی نیست، چون می‌تواند بر تمایز مفهومی میان چیزها دلالت کند، در حالی که این تعبیر در فلسفه قرون وسطی و نیز در فلسفه اسلامی بر تشخیص بیرونی امور عینی دلالت دارد؛ دوم آن که گرچه سخن مترجم محترم براساس آنچه در فرهنگ‌های لاتین مندرج است درست است، این اصطلاح را دونس اسکوتس وضع نکرده است، بلکه همان اصطلاح آشنای «هذائیت» در متون فلسفی اسلامی است که با اندک تغییری در تلفظ وارد زبان فلسفی قرون وسطائیان شده است؛^{۱۶}

۴. ترجمه نامتعارف برخی اصطلاح‌ها: مترجم برای برخی از اصطلاح‌های رایج اهل فلسفه و علوم انسانی معادل‌های چنان نامأنوسی را آورده است که برای خوانندگان گاه از اصل انگلیسی ناشناس‌تر است؛ در ادامه نمونه‌هایی را می‌آوریم:

۱. ترجمه «the rational soul» به «نفس عقلانی» یا «روح عقلانی» و «the non-rational soul» به «نفس ناعقلانی» به جای ترجمه آن‌ها به «نفس ناطقه» و «نفس غیرناطقه» در صفحه ۴۸ و ۹۲؛

۲. ترجمه «analysis» و «synthesis» به دو روش «آنالیز» و «ستتر» به جای دو روش «تحلیل» و «ترکیب» در صفحه ۵۲؛
۳. ترجمه «orthodoxy» به «ارتدکس» به جای «راست‌گویی» یا «سنت» در صفحه ۴۵ و ۵۸ که چون در بحث از مسیحیت است ذهن خواننده را از سنت مسیحیت، که منظور نویسنده متن اصلی است، به «آیین ارتدکس» منحرف می‌کند؛
۴. ترجمه «the eternity of the world» به «ابدیت عالم» به جای «قدم عالم» و ترجمه «the creation of the world» به «خلق عالم» به جای «حدوث عالم» در سرتاسر دو فصل مربوط به نوزایی (صفحه ۵۷ تا ۱۹۶)؛
۵. ترجمه «separate substances» به «جوهرهای جداگانه» به جای «جوهر مفارق» در صفحه ۷۳؛
۶. ترجمه «the substantial form» به «شکل جوهری» به جای «صورت جوهری» در موارد متعدد، از جمله در صفحات ۸۸ و ۶۴۶؛
۷. ترجمه «the Mosaic law» به «قانون موسایی» به جای «شریعت موسی» در صفحه ۹۱؛
۸. ترجمه «astrology» به «ستاره‌شناسی» به جای «اختربینی» و «astrological» به «نجومی» به جای «مبتنی بر اختربینی» در صفحه ۹۶؛
۹. ترجمه «the New World» که اصطلاحی خاص است و منظور از آن آمریکاست، به «دنیای نو» به جای «ینگه دنیا» در صفحه ۱۰۰؛
۱۰. ترجمه «Peripatetic» به «ارسطویی» به جای «مشائی» در صفحات ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، و ۱۰۸؛
۱۱. ترجمه «Christian dogma» به «جزئیات مسیحی» به جای «اصول عقاید مسیحی» یا «اعتقادات مسیحی» در صفحات ۱۴۵، ۱۰۴، ۹۱، و ۸۵؛
۱۲. ترجمه «simple intuition» به «شهود ساده» به جای «شهود بسیط» در صفحات ۳۶۳ و ۵۱۰؛
۱۳. ترجمه «Catholicism» به «کاتولیسم» به جای «آیین کاتولیک» در صفحات ۱۶۱ و ۴۱۰؛
۱۴. ترجمه «Religion» به «مذهب» به جای «دین» و «Religious» به «مذهبی» به جای «دینی»، در عنوان ستون نخست جدول گاه‌شماری در صفحات ۱۵، ۴۳، ۶۱، ۶۶، و ۹۰؛
۱۵. ترجمه «Unmoved Mover» به «حرکت‌دهنده بی حرکت» به جای «محرک نامتحرک» در صفحه ۱۰۹، بند ۲، سطر ۴؛

۱۶. ترجمه «earth» (از عناصر اربعه) به «زمین» به جای «خاک» در صفحه ۱۰۹؛

۱۷. ترجمه «the outermost sphere of the heavens» به «خارج از سپهر آسمان‌ها» به جای «فلک اقصی» در صفحه ۱۱۰؛

۱۸. ترجمه «transubstantiation» به «استحاله» به جای «تبدل جوهری» در صفحه ۱۱۲؛

۱۹. ترجمه «eternity» در اسپینوزا به «ابدیت» به جای «سرمدیت» در صفحات ۵۰۷ و ۵۰۸.

۲۰. ترجمه «passions» به «شهوات» به جای «انفعالات» (ص ۵۳، یادداشت ۳۹) به ویژه در فصل‌های مربوط به دکارت (ص ۳۸۵) و ترجمه همین اصطلاح به «شور و شوق» در هابز در صفحه ۴۴۵؛

۵. نمونه‌ای از ترجمه نادرست عبارت تخصصی: در این جا نمونه‌ای از خطای مترجم را می‌آوریم که بر اثر قصور در فهم تخصصی متن رخ داده است. مترجم در دومین فصل مربوط به دکارت، «دکارت: متافیزیک و فلسفه ذهن»، عبارت لاتینی معروف دکارت «cogito ergo sum» را در همه جا به «می‌اندیشم، پس هستم» برمی‌گرداند و توجهی به ترجمه انگلیسی نویسنده متن از این عبارت ندارد که، برخلاف دیگر مترجمان دکارت که عبارت مذکور را به زمان حال ساده یعنی «I think, therefore I exist» برمی‌گرداند، آن را به زمان حال استمراری ترجمه می‌کند: «I am thinking, therefore I exist». شاید در نگاه نخست، این خطا چشم‌پوشیدنی بنماید، اما وقتی به نظر کاتینگم در تفسیر کوگیتو توجه کنیم درمی‌یابیم که استفاده از زمان حال استمراری در ترجمه آن کلید فهم درست این عبارت است.^{۱۸} برای روشن شدن مطلب، جا دارد نقل قولی را از خود کاتینگم بیاوریم:

با ژرف‌کاوی در عبارت 'cogito ergo sum' که ذکرش گذشت، روشن می‌شود که باید در ترجمه انگلیسی درست واژگان 'cogito/ je pense' که در بحث دکارت از یقینش درباره وجود خویش ظاهر می‌شوند، به جای زمان حال ساده 'می‌اندیشم'، زمان حال استمراری 'دارم می‌اندیشم' را به کار برد. زیرا آنچه مرا از وجود مطمئن می‌سازد واقعیتی ایستا و بی‌زمان درباره من نیست، مبنی بر این که من کسی هستم که می‌اندیشد، بلکه این واقعیت است که من همین الان سرگرم اندیشیدن هستم و تا این اندیشیدن تداوم دارد وجود تضمین می‌شود. چنان‌که خود دکارت بعدها در تأمل دوم می‌آورد که: 'من هستم، من وجود دارم، این امری یقینی است، اما تا کی؟ تا زمانی که دارم می‌اندیشم'^{۱۹} و در اصل هفتم از بخش نخست اصول نیز می‌گوید: 'تناقض است که فرض کنیم آنچه می‌اندیشد، در همان زمانی که دارد می‌اندیشد، وجود ندارد' (کاتینگم ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷).^{۲۰}

۶. احاطه تخصصی نداشتن مترجم بر محتوای کتاب: واپسین نکته که شاید آزارنده‌ترین چیزی باشد که از حیث محتوایی در ترجمه به چشم می‌خورد اشتباه‌های فاحش در ترجمه برخی اصطلاحات تخصصی و نام فیلسوفان و آثار فلسفی است^{۲۱} که نشان از اشراف نداشتن مترجم بر تاریخ فلسفه به‌طور عام و بر دوره نوزایی و جریان عقل‌گرایی به‌طور خاص دارد. در پیشینه فکری مترجم محترم نیز هیچ مطلبی به چشم نمی‌خورد که توجیه‌کننده ترجمه اثری در این سطح و در این حوزه تخصصی از جانب ایشان باشد.^{۲۲}

۳. نتیجه‌گیری

ترجمه متون علوم انسانی سهل و ممتنع است؛ یعنی برای کسی که با این کار آشنایی ندارد و از بیرون بدان می‌نگرد کاری است بس آسان و گاه مبتذل و برای کسی که دستی در آن دارد کاری است دشوار و توان‌فرسا که بیش از آن‌که تخصص به‌شمار آید هنر است و ظرافت‌هایی دارد که در دل کار آشکار می‌شود. حال اگر متن موردنظر فلسفی باشد، ظرافت کار بیش‌تر است و هنرمندی بیش‌تری می‌طلبد. به‌نظر می‌رسد در ترجمه متن فلسفی اولین و مهم‌ترین شرط، بعد از برخورداری از دانش زبانی لازم از زبان مبدأ و مقصد، داشتن تخصص در حوزه متن فلسفی‌ای است که قرار است به زبان فارسی درآید. این تخصص دو جنبه دارد: یکی آن‌که باید فیلسوف و مکتب فلسفی موردنظر را بشناسیم و از عهده فهم مطالب فلسفی برآییم؛ و دوم آن‌که دانش‌واژه‌های آن فیلسوف را به‌زبان اصلی خوب بدانیم و برابری را بین اهل فلسفه در ایران را برای فارسی‌سازی آن‌ها بشناسیم. افزون‌براین، باید به اختلاف‌نظر میان اهل فلسفه در برابری فارسی برای هر دانش‌واژه نیز واقف باشیم تا از عهده انتقال مطلب به مخاطبان متخصص برآییم.

حال اگر سخن از ترجمه تاریخ فلسفه ده‌جلدی راتلج در میان باشد، که از آغاز تا انجام فلسفه را در خود گنجانیده و هر مجلد را حدود ده نفر از بزرگ‌ترین و سرشناس‌ترین استادان فلسفه در دنیا نوشته‌اند، نخستین نکته‌ای که به‌ذهن می‌رسد این است که چنین کار سترگی را باید گروهی از مترجمان زبردست، و بسته‌به تخصصشان، بر عهده گیرند که هم در ترجمه دستی دارند و هم در فلسفه. البته اگر آرمانی بیندیشیم، باید چهره‌ای کاربلد و سرشناس، که در میان اهل فلسفه در حوزه ترجمه متون فلسفی از حسن شهرت کافی برخوردار است، ویرایش‌صوری و محتوایی این مجموعه را بر عهده گیرد و در یک‌دست‌سازی دانش‌واژه‌ها، ضبط درست و یک‌سان اسم‌های خاص، نام آثار، و مکان‌ها

متن را ویراسته و پیراسته کند. البته برای ترجمه کاری در این سطح و حجم ناشر نیز باید در مشخصات ظاهری مجلدات گوناگون سلیقه واحدی را اعمال کند و در کیفیت چاپ دقت لازم را به خرج دهد. نکاتی که گفتیم باید در چاپ ترجمه این دوره ده‌جلدی، به‌ویژه جلد چهارم با عنوان *رسانس و عقل‌باوری سده هفدهم* که این نوشته به نقد آن اختصاص دارد، تحقق می‌یافت. اما اگر جانب انصاف را نگه داریم، باید به حسن مرتضوی و هم‌کاران ایشان در ترجمه این دوره دست‌مریزاد گفت که دست به چنین کار سترگی زده‌اند و به اهل فلسفه و فرهیختگان فارسی‌زبان گنجینه‌ای داده‌اند که هیچ اهل علوم انسانی از خواندنش بی‌نیاز نیست. نگارنده این نقد به‌سهم خویش زحمت ایشان را ارج می‌نهد و قدر می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است که همین کتاب با عنوان *دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم* با ترجمه نگارنده مقاله پیش‌رو در سال ۱۳۹۱ با هم‌کاری انتشارات حکمت و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه منتشر شده است.
۲. دوره دوجلدی *تاریخ فلسفه شرق و غرب* نوشته هیئت نویسندگان زیر نظر رادا کریشان، *تاریخ فلسفه در اسلام* زیر نظر م. م. شریف، و *تاریخ فلسفه اسلامی* زیر نظر سیدحسین نصر و الیور لیمن نمونه‌ای از این دست تاریخ‌فلسفه‌ها در زبان فارسی است.
۳. باوجود تلاش فراوان برای دست‌رسی به شرح حال معتبری از آقای مرتضوی، که شامل زندگی فکری ایشان باشد، شوربختانه توفیقی حاصل نیامد و آنچه در این مختصر آوردیم از جست‌وجو در اینترنت به‌دست آمده است. البته کوشیدیم از طریق دوستی مشترک از خود آقای مرتضوی برای این امر کمک بگیریم که ایشان چندان تمایلی به این کار نداشتند. حتی با «مؤسسه پرسش» هم، که درس‌گفتارهای ایشان را با عنوان «نقد و بررسی کتاب *سرمایه مارکس*» در پاییز سال جاری برگزار می‌کند، برای گرفتن شرح‌حالی از ایشان تماس گرفتیم که نتیجه‌ای حاصل نیامد.
۴. البته گفتنی است که گویا این دو انتشارات بیش‌تر در نام متفاوت‌اند تا در واقع؛ چون وقتی به سایت انتشارات چشمه وارد می‌شویم، در بالای صفحه به عنوان انتشارات چشمه/پویه‌نگار برمی‌خوریم که مؤید نظر ماست.
۵. صفحه‌بندی کتاب از همان نخستین صفحه بعد از جلد آغاز می‌شود و تا صفحه پیش از جلد هم ادامه دارد، هرچند شماره‌گذاری صفحات کتاب از صفحه ۶ یعنی از دومین صفحه مربوط به فهرست کتاب آغاز می‌شود.

۶. گفتنی است که اگر کسی روی جلد یا متن کتاب را نخوانده باشد و کتاب را در قفسه کتاب‌فروشی یا کتاب‌خانه و از روی عطف جلد ببیند و درباره‌اش قضاوت کند، اولاً متوجه نخواهد شد که کتاب پیش‌رویش جلد چهارم از تاریخ فلسفه راتلج است با عنوان *رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم*؛ ثانیاً عنوان ناشر نیز چنان مبهم و به‌صورت تصویری نامفهوم چاپ شده است که تا به شناسنامه کتاب مراجعه نکند متوجه نام ناشر، یعنی «پویه‌نگار»، نخواهد شد.

۷. بنده در مدت مطالعه برای نقد کتاب همواره نگران اژه‌پاشیدن شیرازه کتاب بودم که سرانجام هم این اتفاق افتاد.

۸. «ص» نشانه صفحه یا صفحات، «ب» نشانه بند (یا پاراگراف)، و «س» نشانه سطر یا سطرهاست.

۹. معادل‌های پیش‌نهادی برای این واژگان به‌ترتیب عبارت‌اند از: جدید، نوزایی یا نوزایش، تدبیر یا ترفند یا راه‌کار، متعلق یا مابه‌ازاء، دیدگاه یا رأی، الگو، فرضیه، ماده‌انگاری یا ماده‌باوری، تحلیل، ترکیب یا تألیف، ارشماطیقی یا علم حساب، آرمانی، و گونه‌ی ادبی؛ گفتنی است که آوردن واژه‌های لاتین در نثر مترجم امری است عادی و آنچه در این مختصر آوردیم «مشت نمونه‌ی خروار» است.

10. *Exercitationes Paradoxicae Adversus Aristoteleos*

۱۱. نظر به این که این کاستی در دو فصل مربوط به دکارت آشکارتر است، نمونه‌ها را از این دو فصل می‌آوریم: رساله مناظر و مرایا اثر دکارت را جایی به «نورشناسی» و جایی دیگر به «شکست نور» و رساله کائنات جو را جایی به «شهاب‌شناسی» و جایی به «هواشناسی» برگردانده است. قواعد هدایت ذهن جایی به قواعدی برای هدایت عقل، جایی به قواعدی برای جهت‌گیری عقل، و جایی دیگر به‌صورت قواعدی برای جهت‌گیری هوش آمده است.

12. battle of Agincourt

این نام را اگر به انگلیسی تلفظ کنیم، باید «آجینکورت» بخوانیم و اگر به فرانسه تلفظ کنیم، باید «آژنکور» بخوانیم.

۱۳. از این نمونه‌ها در ترجمه فراوان است و مترجم به ضبط درست اسامی در هیچ زبانی پای‌بند نبوده است؛ تاجایی که بیش‌تر نام‌های ایتالیایی و آلمانی را در دو فصل مربوط به نوزایی با تلفظ انگلیسی ضبط کرده است. این نکته را با نگاهی به گاه‌شمار آغاز کتاب یا به نمایه اسامی خاص در پایان کتاب می‌توان به‌خوبی دریافت.

۱۴. ممکن است تصور کنیم که مترجم برای آن که میان «G.» و «J.» اشتباه نشود، به جای «جی.» از «ج.» استفاده کرده است، ولی درخصوص نام «J. G. Cottingham» می‌بینیم که مترجم بی‌آن که از حروف اختصاری استفاده کند، این نام را به «جان کاتینگ‌هم» برمی‌گرداند و درباره نام «W. Blom» که به‌صورت «و. بلوم» آمده است، خواننده فارسی‌زبان نمی‌داند که «و.» به جای «V.» یا به جای «W.» آمده است.

۱۵. انتظار بر این است که مترجم چنین اثری فقط مترجم صرف نباشد، بلکه خود نیز صاحب موضع و نظری در حوزه تخصصی اثر باشد، تا در مقدمه‌ای که خود بر ترجمه می‌نویسد خواننده را از توانایی و تخصص خود در ترجمه متن مطمئن کند و تا اندازه‌ای دست خواننده را در خوانش و فهم اثر بگیرد و تجربه خود از جریان ترجمه و پشت صحنه ترجمه به خواننده انتقال دهد.
۱۶. معادل‌های پیش‌نهادی برای این اصطلاح «هذائیت»، «انیت»، یا «این‌بودگی» است.
۱۷. البته مترجم این اصطلاح را گاهی نیز به‌درستی به مشائی (ص ۵۸ و ۷۳) ترجمه کرده است.
۱۸. ترجمه پیش‌نهادی: «دارم می‌اندیشم؛ پس وجود دارم».

19. AT VII 27; CSM II 18

۲۰. گفتنی است کتاب دکارت، اثر کاتینگم، را نگارنده مقاله پیش رو به فارسی برگردانده و در سال ۱۳۹۲ نشر نی آن را منتشر کرده است.
۲۱. چندی از این موارد را در بخش مربوط به «نقد صوری و شکلی» و چندی دیگر را در بخش «نقد و بررسی محتوایی» آوردیم.
۲۲. گفتنی است که نگارنده این نقد، چنان‌که آوردیم، افزون‌بر این‌که مترجم همین مجلد چهارم است، ویراستار جلد نخست با ترجمه حسن فتحی از انتشارات حکمت با هم‌کاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه نیز است و در نوشته دیگر و البته کوتاه‌تری، ترجمه آقای مرتضوی از جلد نخست را نیز نقد کرده است. آنچه در این بند می‌آورد ما حاصل بررسی دقیق و نقادانه ترجمه‌های ایشان از دو مجلد ۱ و ۴ از این دوره ده‌جلدی است.

کتاب‌نامه

- پارکینسون، ج. اچ. آر. (ویراستار) (۱۳۹۲)، *تاریخ فلسفه راتلج: رنسانس و عقل‌باوری سده هفدهم*، ج ۴، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: پویه‌نگار.
- پارکینسون، جی. اچ. آر. (ویراستار) (۱۳۹۱)، *تاریخ فلسفه راتلج: دوره نوزایی و عقل‌گرایی قرن هفدهم*، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: حکمت، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- دکارت، رنه (۱۳۸۴)، *اعتراضات و پاسخ‌ها*، ترجمه علی موسایی افضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجیدی، فریبرز (۱۳۸۸)، *فرهنگ تلفظ نام‌های خاص*، تهران: فرهنگ معاصر.
- کاتینگم، جان (۱۳۹۲)، دکارت، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: نشر نی.

Baxandall, Michael (1988), *Painting and Experience in Fifteenth-Century Italy: A Primer in the Social History of Pictorial Style*, Oxford University Press (First Published 1972).

Parkinson, G. H. R. (1993), *Rutledge History of Philosophy: The Renaissance and Seventeenth-Century Rationalism* (First Published 1993).